

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حسابداری مدیریت

تحلیل گری مالی مبتنی بر ارزش



مقدمه



تحلیل گری مالی با استفاده از نسبتهای مالی از وظایف مدیر مالی و حسابداران مدیریت است. با توجه به نقش عملکرد مالی در تحقق اهداف، تحلیل گری مالی مهم ترین شیوه تحلیل گری است. متداول ترین شیوه تحلیل گری مالی، تجزیه و تحلیل صورت های مالی است که با استفاده از نسبت های مالی انجام می شود.

ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت گردش وجوه نقد، اطلاعات **اساسی** تحلیل گری مالی را فراهم می سازد.

تعاریف تحلیل گری مالی



- **تحلیل گری مالی:** عبارت است از شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی این امکان را فراهم کند تا هنگام تصمیم‌گیری برای مقاصد اقتصادی به اطلاعاتی، آن هم **به شکلی خاص** دست یابند که از طریق سیستم اطلاعات موجود ، امکان دسترسی به آنها وجود ندارد .
- ❖ مدیران مالی به دو دلیل عمده ، صلاحیت تحلیل گری مالی را دارا می باشند .
اولاً ، آنها از دانش و توانایی حرفه ای برخوردارند که امکان تجزیه و تحلیل صورت های مالی را میسر می سازد . **ثانیاً** ، دسترسی به اطلاعات مالی موجب می گردد که با سرعت ، دقت و کیفیت لازم ، فرایند تحلیل گری مالی را انجام دهند .
- **تحلیل گری مالی:** ابزار مدیر مالی در برنامه‌ریزی مالی است، و اولین قدم در برنامه‌ریزی مالی ، آگاهی از وضعیت گذشته است تا بر پایه‌ی آن ، **وضعیت مدنظر آینده** را پیش‌بینی کند.

تعاریف تحلیل گری مالی (ادامه)



فرض اساسی در مدیریت مالی که وظایف مدیر مالی بر اساس آن تعریف می شود عبارت است از بررسی وضعیت گذشته از طریق به کارگیری ابزارها و روش های کمی و کیفی متنوع و ترسیم و پیش بینی وضعیت مطلوب آینده است. بنابراین مدیریت مالی به آینده توجه بیشتری دارد تا گذشته هرچند از وضعیت گذشته قافل نیست .

گزارش های مالی

هر گزارشی که مشتمل بر صورت های مالی باشد یا بخش عمده آن را صورت های مالی تشکیل دهد یا متکی و منظم به صورت های مالی باشد ، گزارش مالی محسوب می شود. (سازمان حسابرسی ، ۱۳۷۶، ۲۰)

منابع تحلیل گری مالی



الف : اطلاعات مالی

گزارش‌های سالانه، صورت‌های مالی اساسی، رویدادهای رسمی تفصیلی، مستندات گردش فعالیت و عملیات و وضعیت آینده، داده‌های مالی خلاصه‌شده، اطلاعات بازار سهام، پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی، پیش‌بینی مدیریت

ب : اطلاعات کمی غیر مالی

آمارهای تولید، تقاضا و اشتغال، آمارهای رسمی اقتصادی

ج : اطلاعات کیفی

گزارش‌های حساب‌رسان، اشخاص حرفه‌ای و هیأت مدیره، اخبار کارکنان، تحلیل و تفسیر مدیریت، تفسیر تحلیل‌گران مالی، تفسیر مؤسسات تجاری و مالی، اظهارنظر اعتباردهندگان مستقل، ارزیابان رسمی و مستقل، اشخاص طرف قرارداد، مدارک قبلی

د : اظهارنظر گروه‌ها

دسته بندی فوق نشان می دهد که مجموعه اطلاعات و گزارش های کمی و کیفی اعم از مالی و غیر مالی در تحلیل گری مالی باید در دسترس باشد تا این فرایند به طور کامل انجام پذیرد . در مجموعه منابع کمی و کیفی ،مهمترین آنها اطلاعات و گزارش های مالی است که به صورت کمی ارائه میشود .

اهداف تحلیل گری مالی



هدف تحلیل گری مالی عبارت است از :

- تامین اطلاعات مالی برای تصمیم گیری در مدیریت سرمایه گذاری
- تحلیل وضعیت و عملکرد مالی
- تحلیل رسیدگی
- مدیریت پورتفوی
- ارزش یابی دارایی ها و انواع سرمایه گذاری
- ارزیابی عملکرد مدیریت
- سنجش سودآوری، کارایی، و ریسک

روش‌های تحلیل گری مالی

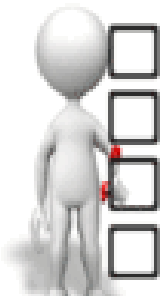


۱- تحلیل گری مالی با استفاده از نسبت‌های مالی

در این روش ، روابط بین متغیر های حسابداری نظیر فروش و سود ،فروش و دارایی ها ،دارایی ها و بدهی ها و حقوق صاحبان سهام و جز اینها ،شناسائی و تفسیر می گردد.

۲- تحلیل سری زمانی و پیش‌بینی

در این روش متغیر های تاریخی ناشی از نتایج حسابداری به عنوان تکنیک پایه مورد توجه تحلیل گران مالی قرار می گیرد . بدین نحو که ،با تحلیل وضعیت گذشته ،موقعیت و وضعیت آینده پیش بینی میگردد.



سایر روش‌های تحلیل‌گری مالی



الف : تجزیه و تحلیل درونی

در این روش مقدار و اهمیت نسب هر کدام از اقلام یک صورت مالی در مقایسه با اقلام همان صورت مالی تعیین می گردد، این نوع تجزیه و تحلیل اولین قدم در بررسی صورت های مالی محسوب می شود .

ب : تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای

در این روش ، صورت های مالی دو یا چند دوره متوالی با یکدیگر مقایسه می گردد .

ج : تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش

در این روش عوامل موثر در ساختار سرمایه در گردش شناخته می شود و موجبات و علل افزایش یا کاهش اصلی ترین عامل سرمایه در گردش (وجه نقد) شناسائی و تعیین می گردد.

د : تجزیه و تحلیل خطر سنجی

به بررسی پیش آمدهایی اطلاق می شود که واحد انتفاعی را با ناتوانی در بازپرداخت دیون و تحمل زیان روبرو میکند.

موارد اساسی در تجزیه تحلیل صورت های مالی



در تجزیه و تحلیل صورت های مالی ،موارد اساسی زیر باید مد نظر باشد:

الف : شناخت انواع صورت های مالی اساسی

ب : شناخت عناصر و ماهیت هر یک از اقلام صورت های مالی اساسی

ج : آشنایی با نحوه گزارشگری و طبقه بندی صورت های مالی اساسی با یکدیگر

د : آشنایی با نحوه ارتباط بین اقلام انواع صورت های مالی اساسی با یکدیگر

ه : آشنایی با چگونگی استفاده از یادداشت های مالی و گزارش های مکمل

و : آشنایی با روش های تجزیه و تحلیل صورت های مالی نظیر نسبت های مالی





بررسی صورت‌های مالی

۱- ترازنامه

ترازنامه، وضعیت مالی واحد انتفاعی، شامل دارای‌ها، بدهی‌ها، و حقوق صاحبان را در یک تاریخ معین نشان می‌دهد. (این تاریخ پایان دوره مالی است)

دارایی‌ها = بدهی + سرمایه (حقوق صاحبان سهام)

۲- صورت سود و زیان

صورت حسابی است که چگونگی و نتیجه‌ی فعالیت‌ها و رویدادهای مالی یک واحد انتفاعی را در طی یک دوره‌ی مالی نشان می‌دهد و نتیجه‌ی این صورت حساب، سود یا زیان خالص است که به ترازنامه در بخش حقوق صاحبان واحد انتفاعی منتقل می‌شود.

۳- صورت گردش وجوه نقد

صورت منابع و مصارف نقد یک واحد انتفاعی است که چگونگی ورود و خروج وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی را برای یک دوره‌ی مالی نشان می‌دهد.

سایر ملاحظات

هدف اصلی از تجزیه و تحلیل صورت های مالی ، آگاهی از نقاط قوت و ضعف واحد انتفاعی از دیدگاه مالی است به طوری که بتوان اولاً در مقابل عکس العمل استفاده کنندگان اطلاعات مالی واکنش مناسب نشان داد و ثانیاً در برنامه ریزی مالی نظیر پیش بینی ترانزنامه ، پیش بینی سود و پیش بینی گردش مناسب و مساعد وجوه نقد در قالب تهیه و تنظیم بودجه جامع مشتمل بر بودجه عملیاتی ،بودجه سرمایه گذاری و بودجه نقد ،استفاده نمود. بنابراین تجزیه و تحلیل صورت های مالی اساسی ترین گام اجرایی در مهمترین وظیفه مدیر مالی یعنی **برنامه ریزی مالی** است.



برنامه ریزی مالی

انواع نسبت‌های مالی



- نسبت نقدینگی
- نسبت فعالیت (کارایی)
- نسبت اهرمی (بافت مالی)
- نسبت سودآوری

اهداف	اهمیت	دیدگاه
تعیین و سنجش توان پرداخت تعهدات کوتاه مدت	وجوه نقد، مدیریت دارائی‌ها و بدهی‌های کوتاه مدت و سرمایه در گردش	نقدینگی
اندازه‌گیری درجه کارایی استفاده از منابع	سنجش عملکرد، سنجش کارایی و اثر بخشی، تداوم فعالیت	فعالیت
سنجش ترکیب سهم سهامداران و بستانکاران در منابع، نحوه تامین منابع مالی و سنجش توان پرداخت بهره	سرمایه گذاری، ترکیب ساختار مالی، هزینه تامین مالی، سنجش ریسک تجاری، مالی و ورشکستگی، توان پرداخت بهره	اهرمی
اندازه‌گیری وضعیت سودآوری، بازدهی فروش و بازدهی دارایی‌ها	سودآوری، تداوم فعالیت، سنجش عملکرد اقتصادی، ارزش سهام، بازدهی فروش، بازده صاحبان سهام	سودآوری



توانایی و قدرت شرکت را در بازپرداخت بدهیهای کوتاه مدت اندازه گیری می کند. اساس کاربرد نسبتهای نقدینگی بر این فرض استوار است که داراییهای جاری ، منابع اصلی نقد شرکت برای بازپرداخت بدهیهای جاری هستند.

۱- نسبت جاری

۲- نسبت سریع (آنی)

۳- نسبت نقد

۴- دوره وصول مطالبات

۵- دوره پرداخت بدی ها

۶- دوره نگهداری کالا (موجودی ها)

۷- سرمایه در گردش





$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{داراییهای جاری}}{\text{بدهیهای جاری}}$$

❖ این نسبت ارتباط نسبی بین داراییهای جاری و بدهیهای جاری را بیان می کند.

❖ متداولترین وسیله برای اندازه گیری قدرت پرداخت بدهیهای جاری شرکت است ، این نسبت تعداد دفعاتی را که می توان از محل داراییهای جاری ، بدهیهای جاری را پرداخت نمود نشان می دهد.



- نقص بزرگ نسبت جاری این است که همه ی اقلام داراییهای جاری را از لحاظ سرعت تبدیل به نقد یکسان و مشابه در نظر می گیرد.
- هر اندازه این نسبت بزرگتر باشد آن شرکت در پرداخت بدهیهای جاری با مشکلات کمتری روبرو خواهد بود و اعتباردهندگان تامین بیشتری خواهند داشت . نسبت جاری خیلی بالا حاکی از این مطلب است که شرکت از داراییهای جاری خود به نحو مطلوبی در جهت سودآوری استفاده نمی کند .
- یک نسبت جاری خیلی پایین نشان دهنده ی وضعیت نامطلوب نقدینگی شرکت است . بنابراین کم بودن نسبت جاری می تواند به این معنی باشد که افزایش موجودی نقد ، حسابها و اسناد دریافتنی ، اوراق بهادار کوتاه مدت و یا موجودیها ضرورت دارد.
- در تعیین حد مطلوب نسبت جاری می بایست نوع فعالیت شرکت، اوضاع اقتصادی جامعه ، ترکیب داراییهای جاری ، موقعیت و اعتبار شرکت و را در نظر گرفت.



- معیاری که توانایی پرداخت بدهیهای شرکت را در تاریخ سررسید اندازه گیری می کند.
- نسبت سریع ارتباط بین داراییهای جاری که دارای سرعت تبدیل به نقد بالایی هستند با بدهیهای جاری را نشان می دهد.

$$\text{نسبت سریع} = \frac{\text{دارایی های نقد + اوراق بهادار + حسابهای دریافتنی}}{\text{بدهی های جاری}}$$

یا

$$\text{نسبت سریع} = \frac{\text{دارایی های جاری - موجودی ها}}{\text{بدهی های جاری}}$$

- بکارگیری نسبت جاری با نسبت سریع به صورت تواما تصویر روشن تری از تاثیر موجودیهای جنسی و پیش پرداخت هزینه ها بر روی وضعیت نقدینگی شرکت بدست می دهد.
- هر چه این نسبت بزرگتر باشد ، تامین بیشتری برای اعتباردهندگان کوتاه مدت فراهم می کند اما بزرگ بودن این نسبت می تواند ناشی از نقدینگی زیاد و یا بیش از حد بودن مطالبات باشد که هر دوی اینها دلیلی بر ضعف مدیریت شرکت یا معرف احتیاط و محافظه کاری زیاد در تامین نقدینگی جاری باشد.
- پایین بودن این نسبت می تواند معرف وجود مشکلات آتی شرکت در پرداخت تعهدات کوتاه مدت باشد.





- نسبتی که توان آنی و فوری شرکت را در بازپرداخت بدهیهای جاری نشان می دهد.

$$\text{نسبت نقد} = \frac{\text{اوراق بهادار} + \text{موجودی نقد}}{\text{بدهی های جاری}}$$

یا

$$\text{نسبت نقد} = \frac{\text{دارایی های نقد}}{\text{بدهی های جاری}}$$

دوره وصول مطالبات



سرعت پرداخت تعهدات کوتاه مدت را اندازه گیری میکند .

$$\text{دوره وصول مطالبات} = \frac{۳۶۰ \times \text{متوسط حسابها و اسناد دریافتنی تجاری}}{\text{فروش اعتبار سالانه}}$$

این نسبت بر حسب روز محاسبه می شود و نشان می دهد که به طور متوسط چند روز طول می کشد تا مطالبات ناشی از فروش نسبه وصول شود. هرچه این نسبت کوچکتر باشد ، مناسب تر است زیرا وصول سریع تر مطالبات ، سرعت پرداخت تعهدات کوتاه مدت افزایش می یابد .

دوره پرداخت بدهی ها



از نسبت زیر ، مدت زمانی که به طور متوسط طول می کشد تا بدهی ناشی از خرید
نسبه پرداخت شود ، محاسبه می گردد .

$$\text{دوره پرداخت} = \frac{۳۶۰ \times \text{متوسط حسابها و اسناد پرداختنی تجاری}}{\text{خرید های اعتباری سالانه}}$$

هرچه این نسبت کوچکتر باشد ، برای طلبکاران (فروشندگان نسبه کالا) مناسب
تر است . اما مدیریت باید بین این نسبت و مدیریت منابع کوتاه مدت مصالحه و
توازن ایجاد نماید .

دوره نگهداری کالا (موجودی ها)



دوره نگهداری کالا ، مدت زمانی را که به طور متوسط طول میکشد تا موجودی ، وارد انبار شده و از انبار جهت تولید و فروش خارج شود ، بر حسب روز محاسبه می کند .

$$\text{دوره نگهداری کالا} = \frac{۳۶۰ \times \text{موجودی ها}}{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}} \text{ یا } \frac{۳۶۰ \times \text{موجودی ها}}{\text{فروش خالص}}$$

هرچه این نسبت بزرگتر باشد یعنی مدت زمان آن بیشتر باشد ، سرعت تبدیل به نقد شدن کمتر خواهد بود.

نکته :

اگر متوسط دوره وصول مطالبات و متوسط دوره نگهداری موجودی ها را با یکدیگر جمع کنیم ، متوسط دوره تبدیل به نقد شدن موجودیها (متوسط دوره عملیات) بدست می آید .



مدیریت دارایی ها و بدهی های کوتاه مدت از جمله مباحث اساسی در مدیریت مالی است ، در صورتی که از دارائی های جاری به عنوان سرمایه در گردش ناخالص واحد انتفاعی ، بدهی های جاری کسر شود ، خالص سرمایه در گردش بدست می آید.

بدهی های جاری – دارائی های جاری = سرمایه در گردش خالص

منفی بودن سرمایه در گردش خالص ، نشان دهنده پایین بودن توان پرداخت تعهدات کوتاه مدت واحد انتفاعی است .

- تجزیه تحلیل فعالیت ،معمولا چگونگی بکار گیری داراییهای شرکت را برای ایجاد درآمد و فروش مورد بررسی قرار می دهد.
- با بررسی تجزیه تحلیل فوق ،می توانیم تعیین کنیم که سرمایه گذاری در داراییها به اندازه مورد نیاز بوده یا کم بوده.
- اگر سرمایه گذاریها بیش از اندازه باشد نتیجه می گیریم این وجوه می توانست در موارد مولد تری بکار گرفته شود.
- اگر سرمایه گذاریها کمتر از اندازه باشد می تواند به معنای ارائه خدمات نامطلوب به مشتریان یا داشتن کارایی نا مناسب در تولید محصولات باشد.



✓ نسبتهای فعالیت، در ارزیابی دوره عملیات شرکتها و ترکیب داراییهای جاری شرکت مورد استفاده قرار می گیرند.

مزیت نسبتهای فعالیت:

ربط دادن اقلام سود و زیان با ترازنامه

معایب نسبتهای فعالیت:

اقلام ترازنامه، در **یک لحظه** ولی سود و زیان، **طی دوره** را نشان می دهد.

✓ انواع نسبتهای فعالیت به شرح زیر ارائه شده است :

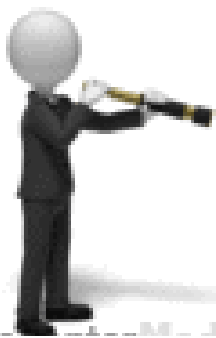
۱- نسبت گردش مجموع دارایی ها

۲- نسبت گردش دارائی جاری

۳- گردش موجودی کالا (موجودی ها)

۴- گردش حسابهای دریافتنی

۵- نسبت گردش دارایی های ثابت



نسبت گردش مجموع دارائی ها

بیشتر تحلیل گران مالی ، از این نسب ، به عنوان نسبت برگشت دارایی ها استفاده می کنند و از این طریق رابطه بین قدرت سود آوری و فروش واحد انتفاعی را می سنجند .

$$\text{نسبت گردش مجموع دارائی ها} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط خالص کل دارائی ها}}$$

این نسبت بیشتر مورد توجه سهامداران و مدیران واحد انتفاعی است و هرچه این نسبت بیشتر باشد ، کارایی واحد انتفاعی در استفاده از کل دارایی ها بیشتر می باشد. چنانچه این نسبت کاهش یابد ، نشان می دهد که بخشی از دارایی ها را کد مانده و یا بهینه استفاده نشده است .

نسبت گردش دارایی جاری



سنجش کارایی دارایی جاری یا به عبارت دیگر ، سرمایه در گردش واحد انتفاعی ، نیز مورد توجه مدیران مالی است . زیرا این منابع نقش قابل توجهی در فروش و سود آوری واحد انتفاعی دارد.

$$\text{نسبت گردش دارایی جاری} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط دارایی های جاری}}$$

هرچه این نسبت بیشتر باشد ، از سرمایه در گردش واحد انتفاعی بهتر استفاده شده است

نکته :

علت استفاده از متوسط انواع دارایی ها در این نسبت ها این است که بخشی از مانده حساب انواع دارایی ، انتقالی از دوره مالی قبل است .

Inventory Turnover

نسبت گردش موجودی کالا

این نسبت ، کارایی و چگونگی استفاده از موجودی کالا در جهت افزایش فروش واحد انتفاعی را نشان می دهد .

$$\text{گردش موجودی کالا} = \frac{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}{\text{متوسط موجودی کالا}}$$

هرچه نسبت کوچکتر باشد ، مناسب تر است ، زیرا نشان می دهد که موجودی کالا به شکل کاراتری استفاده شده است .

از دیدگاه دیگر می توان رابطه موجودی کالا را، با فروش خالص را جهت اندازه گیری کارایی ، مد نظر قرار داد .

$$\text{گردش موجودی کالا} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط موجودی کالا}}$$

با این نسبت ، بازآوری (کارایی) موجودی ها را میتوان سنجید که هرچه این نسبت بزرگتر باشد ، مناسب تر است



به طور کلی بالا بودن نسبت گردش موجودی بیانگر این است که شرکت:

- دارای کارایی عملیات بالایی است
- سرمایه گذاری در موجودیها کاهش پیدا کرده
- دوره عملیات تبدیل مواد و موجودیها به وجوه نقد کوتاه است
- فرصت کمتری برای راکد ماندن موجودیها در انبار وجود دارد

پایین بودن نسبت گردش موجودی بیانگر این است که:

- میزان زیادی از موجودیها در شرکت نگه داری می شود.(انبار شدن کالا)
- فروش در سطح پایین است
- هزینه نگهداری موجودیها در سطح بالایی است
- پیش بینی می شود جریان وجوه نقد در سطح پایینی باشد
- شرکت در معرض مشکلات تامین مالی آتی قرار خواهد داشت
- شرکت اقلام جدید را برای تولیدات خود افزوده و باید برای هر یک از اقلام تولیدی خود، حداقلی از موجودی را نگهداری کند.
- ایجاد خط تولیدی جدید که تبلیغات مربوط به فروش آن صورت نگرفته

نکته:

باید توجه داشت که مقایسه نسبت گردش موجودی یک شرکت با شرکتهای داخل صنعت نمی تواند معیار دقیق و معتبری باشد به دلیل این که:

شرکتهای ممکن است برای **ارزشیابی موجودیها** از روشهای مختلفی استفاده کنند.



گردش حساب های دریافتنی



این نسبت نشان می دهد چه میزان از فروش واحد انتفاعی نسبه بوده است . هر چه این نسبت بزرگتر باشد مطلوبتر است زیرا فروش کمتر نسبه بوده و احتمال سوخت شدن مطالبات کاهش و پرداخت تعهدات کوتاه مدت افزایش می یابد.

$$\text{گردش حسابهای دریافتنی} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط خالص حسابها و اسناد دریافتنی}}$$

این نسبت نشان می دهد که در طی یک دوره مالی حسابهای دریافتنی چند دفعه وصول شده اند.

گردش حساب های دریافتنی



اگر نسبت گردش حسابهای دریافتنی بالا باشد بدین معناست که:

- حسابهای دریافتنی به نحو موثری اداره می شود.
- منابع و سرمایه کمتری در حسابهای دریافتنی سرمایه گذاری شده است.
- سیاست اعتباری و روشهای وصول مطالبات در حد مطلوب است.

اگر این نسبت پایین باشد بدین معناست که:

- فروش در سطح پایینی است.
- شرکت در جمع آوری مطالباتش دچار مشکل می باشد.

$$\text{نسبت گردش داراییها} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط کل داراییها}}$$

$$\text{Assets Turnover} = \frac{\text{Net Sales}}{\text{Average Assets}}$$

- نسبت گردش داراییها ، معیار مناسبی برای ارزیابی چگونگی کارایی داراییها و استفاده از آن ها جهت ایجاد درآمد و فروش می باشد.
- این نسبت مقدار داراییهایی را که شرکت برای کل فروش و درآمد خود بکار گرفته است ، نشان می دهد.
- به طور کلی، اگر این نسبت در حد بالایی باشد ، نشان می دهد که شرکت در بکار گیری از داراییهای خود جهت ایجاد درآمد و فروش موفق بوده است و نسبت پایین گردش داراییها حاکی از این است که شرکت متناسب با داراییهای سرمایه گذاری شده ، نسبت به امر تولید اقدام نکرده است ، یعنی ظرفیت بلا استفاده زیادی دارد یا این که شرکت در سیاست فروش خود ضعیف است.

Fixed Assets Turnover Ratio

نسبت گردش داراییهای ثابت

$$\text{نسبت گردش داراییهای ثابت} = \frac{\text{فروش}}{\text{مجموع دارایی ثابت}}$$

$$\text{Fixed Assets Turnover Ratio} = \frac{\text{Net Sales}}{\text{Net Fixed Assets}}$$

❖ این نسبت برای سنجش کارایی مدیران در بکارگیری از داراییهای ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) و برنامه ریزیهای مربوط به سرمایه گذاری جدید در داراییهای ثابت بکار می رود.

❖ این نسبت نشان می دهد که آیا داراییهای ثابت، فروش مورد نظر را ایجاد کرده اند یا خیر. این نسبت هرچه بالاتر باشد مطلوبتر است زیرا نشان دهنده ایجاد فروش بیشتر نسبت به داراییهای ثابت است.



نسبت هایی هستند که رابطه ی منابع مالی مورد استفاده شرکت از لحاظ بدهیهای جاری، بدهیهای بلندمدت، حقوق صاحبان سهام و نحوه ی ترکیب آنها را مشخص و ارزیابی می کنند. این نسبت ها اساسا به حجم کلی بدهیهای شرکت تاکید دارند و توان شرکت را برای انجام تعهدات کوتاه مدت و بلندمدت خود منعکس می سازند. مهمترین نسبت های این گروه عبارتند از :

۱- نسبت بدهی ها

۲- نسب بدهی به ارزش بازار سهام

۳- نسبت پوشش بهره



این نسبت ها از چند نظر قابل توجه هستند:

- اعتباردهندگان ، توجه خود را معطوف به میزان سرمایه ای که توسط سهامداران شرکت تامین شده است می دارند.
- تامین مالی از طریق اخذ وام موجب می شود که سهامداران شرکت با اعمال کنترل بیشتر بر امور شرکت و با سرمایه گذاری مطلوب سود بیشتری نصیبشان گردد.
- سهامداران اصلی شرکت نیز به نسبتهای ساختار سرمایه اهمیت می دهند زیرا این نسبتهای کافی بودن یا نبودن درآمد فروش را برای پوشش هزینه های بهره و سایر هزینه های ثابت مالی را اندازه گیری می کند.
- در صورتی که شرکت بتواند از بدهیها در زمینه ی سرمایه گذاری های مطلوب استفاده نماید و بازده این سرمایه گذاری ها از هزینه ی بهره ی پرداختی به بدهیها بیشتر باشد در این صورت ثروت سهام داران نیز بیشتر خواهد شد.
- شرکت هایی که بدهی کمتر در ساختار سرمایه ی خود دارند در مواقع رکود اقتصادی با زیان کمتری مواجه می شوند و در دوران رشد اقتصادی نیز سود کمتری عاید آنها می گردد و بالعکس.

نسبت بدهی ها



الف : نسبت کل بدهی به سرمایه

این نسبت میزان اهرم مورد استفاده توسط شرکت را اندازه گیری و نشان می دهد که سهامداران به چه میزان از بدهیها به عنوان اهرم در ساختار سرمایه ی خود استفاده نموده اند. این نسبت میزان وجوه تامین شده توسط اعتباردهندگان را در مقایسه با وجوه تامین شده توسط صاحبان اصلی شرکت نشان می دهد.

$$\text{نسبت کل بدهی به سرمایه} = \frac{\text{متوسط کل بدهی ها}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام}}$$

ب : نسب بدهی

این نسبت سهم دیگران از دارایی های شرکت را محاسبه میکند. همچنین این نسبت نشان می دهد چند درصد از منابع مالی واحد انتفاعی از طریق وام تامین شده است. پایین بودن این نسبت ، ریسک عدم پرداخت بدهی را در زمان ورشکستگی کاهش میدهد ، به همین دلیل مورد علاقه طلبکاران است.

$$\text{نسبت بدهی} = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارائی ها}}$$



نسبت بدهی ها

- بالا بودن نسبت کل بدهیها به حقوق صاحبان سهام نشان دهنده ی این مطلب است که شرکت اساسا بیشتر از بدهیها در ساختار سرمایه ی خود استفاده می کند.
- وام دهندگان و اعتباردهندگان معمولا نسبتهای پایین تر را ترجیح می دهند زیرا خطر کمتری متوجه آنها خواهد شد و از طرف دیگر سهامداران عادی نیز احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد و انگیزه ی بیشتری برای رشد و شکوفایی شرکت خواهد شد. این نسبت به عنوان یک شاخص **ریسک** مورد توجه اعتباردهندگان قرار می گیرد.
- این نسبت هرچه پایین تر باشد بهتر و دارای ریسک مالی کمتر است زیرا پایین بودن این نسبت به معنای پایین بودن بدهیها و یا بالا بودن حقوق صاحبان سهام است. هرچه سرمایه شرکت به نسبت بالاتری توسط حقوق صاحبان سهام تامین گردد به معنای بالاتر بودن نسبت مالکانه است که نشان دهنده در اختیار داشتن هرچه بیشتر موسسه توسط صاحبان سهام و کمتر بودن هزینه بهره وام می باشد.

نسبت بدهی ها



ج: نسبت بدهی بلند مدت به کل بدهی

این نسبت تاثیر معنی دار بدهی ها نظیر ارزش فعلی پرداخت های اجاره ای به عنوان جزئی از بدهی بلند مدت را نسبت به سرمایه در فرآیند تامین مالی نشان می دهد .

$$\text{نسبت بدهی بلند مدت به کل سرمایه} = \frac{\text{کل بدهی بلند مدت}}{\text{کل سرمایه}}$$

د: نسبت بدهی بلند مدت به سرمایه بلند مدت

این نسبت بدهی بلند مدت را در مقایسه با تامین مالی بلند مدت شامل بدهی بلند مدت ، سهام ممتاز و کل سهام عادی مورد بررسی قرار می دهد .

$$\text{نسبت بدهی بلند مدت به سرمایه بلند مدت} = \frac{\text{کل بدهی بلند مدت}}{\text{کل سرمایه بلند مدت}}$$

۲- نسبت بدهی به ارزش بازار سهام

با توجه به اینکه سرمایه ثبت شده به ارزش تاریخی در صورتهای مالی منعکس می شود و تفاوت فاحشی با ارزش بازار سهام دارد ، از این نسبت بجای نسبت کل بدهی استفاده می شود . معمولا این نسبت از نسبت کل بدهی کوچکتر است .

$$\text{نسبت بدهی به ارزش بازار سهام} = \frac{\text{بدهی ها به ارزش دفتری}}{\text{ارزش بازار سهام}}$$

افزایش این نسبت ها ، توام با بالا رفتن دو نوع ریسک به شرح زیر است :

❖ ریسک مالی

این ریسک از وجوه هزینه ثابت بهره ناشی می شود (هرچقدر سهم بدهی توام با پرداخت بهره در مجموع بدهیها بیشتر باشد ، آنگاه بالا رفتن نسبت های یاد شده ، باعث افزایش ریسک مالی و به عبارتی خطر پرداخت بهره می گردد.

❖ ریسک ورشکستگی

این ریسک از احتمال عدم توانایی پرداخت اصل و فرع بدهی ناشی می شود . هرچه نسبت بدهی افزایش یابد ، احتمال عدم توان پرداخت بدهی نیز بیشتر میشود.



۳- نسبت های پوشش بهره

وجود هزینه های ثابت مالی ، تحت عنوان بهره ناشی از تامین مالی بلند مدت ، موجب می گردد که تحلیل گر مالی ، توانایی پرداخت بهره را اندازه گیری کند . به این نسبت ها ، **دفعات واریز سود تضمین شده** نیز اطلاق می گردد .

$$\text{نسبت پوشش هزینه بهره (دفعات واریز سود تضمین شده)} = \frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات (EBIT)}}{\text{هزینه های بهره}}$$

$$\text{نسبت پوشش هزینه های ثابت (بهره)} = \frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات (EBIT)}}{\text{هزینه های ثابت (بهره)}}$$

هرچه این نسبت ها افزایش یابد ، توان پرداخت بدهی واحد انتفاعی بیشتر است و وام دهندگان به اعطای وام به شرکت دارای نسبت پوشش بهره بالا راغب تر هستند .



❖ نسبت توانایی پرداخت هزینه های بهره یکی از نسبتهای حائز اهمیت در بررسی امکان اعطای وام به شرکت ها می باشد.

❖ این نسبت اگر از عدد یک کمتر باشد ممکن است شرکت با اقدامات اجرایی اعتباردهندگان مواجه شود؛ پس هر چه نسبت توانایی پرداخت هزینه های بهره شرکت بیشتر باشد ، شرکت بیشتر می تواند وام و اعتبار دریافت نماید.

❖ یکی از ضعف های عمده ی نسبت توانایی پرداخت هزینه های بهره آن است که توانایی شرکت را در پرداخت هزینه های بهره و پرداخت اصل بدهیها به طور واقع اندازه گیری نمی کند.



نسبت پوشش هزینه های ثابت

- این نسبت همانند نسبت توانایی پرداخت هزینه های بهره است ، منتها با این تفاوت که تا حدودی جنبه ی کاملتری دارد. در این نسبت ، این حقیقت و واقعیت ملحوظ می گردد که شرکتها علاوه بر پرداخت هزینه های بهره ، هزینه های مالی ثابت دیگر را نیز پرداخت می کنند.
- هزینه های ثابت مالی معرف وجوه نقدی است که شرکت براساس قراردادهای مربوطه ملزم به پرداخت آن به طور سالانه است . به مجموع هزینه های بهره ی سالانه ، هزینه های اجاره ی سرمایه ای ، وجوه پرداختنی به صندوق های معین ، هزینه های مالی ثابت می گویند.

- **سود آوری** به توانایی شرکت در به دست آوردن درآمد و سود اشاره می کند.
- سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان ،علاقه زیادی به ارزیابی سود آوری جاری و آتی یک شرکت دارند.
- شرکتها برای جذب سرمایه مورد نیاز خود ،مجبورند سود کافی برای تامین بازده مناسب جهت سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بدست آورند.
- در صورتیکه شرکتها سود کافی تحصیل نکنند قادر به جذب سرمایه مورد نیاز، جهت اجرای پروژه ها ، از طریق سهامداران یا اعتبار دهندگان نخواهند بود

- برای سنجش کفایت سود شرکت از نسبتهای سود آوری استفاده می شود.
- نسبتهای سود آوری، عملکرد کلی شرکت و کارایی مدیریت را در تحصیل سود مناسب، مورد سنجش قرار می دهند.
- نسبتهای سود آوری بر ۴ نوع هستند:
- دسته اول، سود آوری را در رابطه با فروش و درآمد ، مورد سنجش قرار می دهند
- دسته دوم، سودآوری را در رابطه با سرمایه گذاریها و داراییها می سنجند.
- دسته سوم، سود آوری بر مبنای سهام که سودآوری به ازای هر سهم عادی اندازه گیری می شود
- دسته چهارم، سودآوری بر مبنای ارزش بازار هر سهم که بازده نقدی و قیمتی سهام اندازه گیری می شود.

Gross Profit Margin

نسبت سود ناخالص به فروش

$$\text{نسبت سود ناخالص} = \frac{\text{سود ناخالص}}{\text{فروش}}$$

$$\text{Gross Profit Margin} = \frac{\text{Gross Profit}}{\text{Total Sales}}$$

نسبت سود ناخالص به فروش بیانگر:

- ❖ مبلغ ریالی سود ناخالص را که به ازای هر ریال فروش حاصل می شود را نشان می دهد.
- ❖ برای ارزیابی عملیات اجرایی و تحصیل درآمد شرکت، مورد استفاده قرار می گیرد.
- ❖ توانایی شرکت را در کنترل بهای تمام شده کالای فروش رفته، مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد.
- ❖ آیا شرکت در ثابت نگه داشتن یا کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته موفق بوده یا نه؟
- ❖ اثر بخشی سیاست قیمت گذاری را مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد.



اگر این نسبت در مقایسه با سال قبل بهبود یابد ممکن است:

- قیمت فروش، محصولات افزایش یافته باشد.

- بهای تمام شده کالای فروش رفته در اثر کنترل هزینه ها کاهش یافته باشد.

اگر افزایش سود ناخالص شرکت به دلیل افزایش بیش از اندازه قیمت‌های فروش باشد، از قابلیت رقابت محصولات شرکت کاسته می شود و احتمال کاهش درآمد فروش وجود دارد.

اما اگر افزایش سود ناخالص شرکت به دلیل کاهش در هزینه های تولید باشد، در این صورت بر قابلیت رقابت محصولات افزوده خواهد شد و احتمال افزایش در درآمد فروش وجود خواهد داشت.

Operating Profit Margin

نسبت سود عملیاتی به فروش

$$\text{نسبت سود عملیاتی} = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{فروش}} \quad \text{Operating Profit Margin} = \frac{\text{Net operating Income}}{\text{Sales}}$$

❖ نسبت سود عملیاتی به فروش، مبلغ ریالی سود عملیاتی شرکت را که به ازای هر ریال فروش حاصل می شود را، نشان می دهد.

❖ این نسبت نحوه کنترل هزینه های عملیاتی شرکت را در یک دوره مالی نشان می دهد.

❖ این نسبت سودآوری فروش را قبل از کسر بهره و مالیات نشان می دهد.

❖ در محاسبه فوق ، درآمدها و هزینه های غیر عملیاتی به این دلیل، منظور نمی شوند که آنها جز فعالیت اصلی شرکت نیستند و مستقیماً با تولید و فروش محصولات شرکت ارتباط ندارند.

❖ منظور از این نسبت ، کارایی مدیریت در کنترل هزینه های عملیاتی شرکت است.

Net Profit Margin

(۳) نسبت سود خالص به فروش

$$\text{نسبت سود خالص} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}}$$

$$\text{Net Profit Margin} = \frac{\text{Net Income}}{\text{Sales}}$$

این نسبت نشان می دهد که از هر صد ریال فروش، چند ریال سود خالص برای سهامداران تحصیل شده است. (این نسبت کارایی ما را در مدیریت هزینه ها نشان می دهد چون تمام هزینه ها را در بردارد).

این نسبت، سودآوری هر ریال فروش پس از کسر هزینه های عملیاتی و مالی را نشان می دهد.

نسبت سود خالص به فروش، نتیجه روابط متقابل سه عامل زیر می باشد:

(۱) حجم فروش

(۲) سیاست قیمت گذاری

(۳) ساختار هزینه های شرکت

Return on Assets (ROA)

$$\text{Return on Assets} = \frac{\text{Net income}}{\text{Average Assets}}$$
$$\text{بازده مجموع داراییها} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط کل داراییها}}$$

- این نسبت نشان می دهد، در برابر هر ریال دارایی (سرمایه گذاری) چقدر سود خالص بدست می آید.
- هر چه داراییها با کارایی بیشتری بکار گرفته شوند، شرکت سود آورتر خواهد بود.
- ROA میزان سود شرکت نسبت به کل داراییهای بکار گرفته شده را نشان می دهد، این نسبت میزان کارایی مدیریت را در کاربرد منابع موجود در جهت تحصیل سود را نشان می دهد.
- هر چه این نسبت بالاتر باشد، کارایی شرکت در بکارگیری از داراییها و منابع بهتر است

Return on Assets (ROA)

بازده مجموع داراییها را می توان به صورت دیگری نیز نشان داد که به فرمول دوپونت معروف است و در آن ارتباط بین حاشیه سود و گردش مجموع داراییها نشان داده می شود .

$$\frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط کل داراییها}} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش خالص}} \times \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط کل داراییها}}$$

گردش مجموع داراییها × حاشیه سود خالص = بازده مجموع داراییها

$$\frac{\text{Net Income}}{\text{Average Total Assets}} = \frac{\text{Net Income}}{\text{Sales}} \times \frac{\text{Sales}}{\text{Average Total Assets}}$$

$$\text{Return on Assets (ROA)} = \text{Profit Margin} \times \text{Assets Turnover}$$



مزیت سیستم دوپونت در اینست که بین دو گروه از نسبتهای مالی (سودآوری و اهرمی) ارتباط منطقی برقرار می کند.

همانطور که فرمول نشان می دهد بازده مجموع داراییها را می توان از طریق افزایش حاشیه سود یا گردش مجموع داراییها افزایش داد.

البته نسبت اخیر تا اندازه ای به نوع صنعت بستگی دارد. برای مثال خرده فروشان و امثال آنها امکان بالقوه بیشتری برای افزایش نسبت گردش داراییها دارند تا شرکتهای خدماتی.

با وجود این حاشیه سود در یک صنعت می تواند بسیار متغیر باشد، زیرا تابعی از فروش، کنترل هزینه ها و قیمتها می باشد.

بنابر این شرکتی که سعی در افزایش بازده داراییها دارد می تواند با استفاده از روابط متقابلی که در فرمول دو پونت وجود دارد، عوامل موثر را شناسایی کند.

Return on Equity (ROE)

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام}}$$

$$\text{Return On Equity (ROE)} = \frac{\text{Net Income}}{\text{Average Stockholders' Equity}}$$

همانطور که می دانیم هدف مدیریت ،حد اکثر ساختن ثروت سهامداران عادی شرکت می باشد.

این نسبت ،بهترین معیار سنجش موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت در دستیابی به این هدف است.

این نسبت تاکید می کند که بازده حاصل از درآمد ،وابسته به مبلغ سرمایه گذاری شده توسط سهامداران است.



$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود}}{\text{حقوق صاحبان سهام}} = \frac{\text{دارایی/سود}}{\text{دارایی/حقوق صاحبان سهام}} =$$

$$\frac{\text{بازده دارایی}}{\text{نسبت بدهی - 1}} = \frac{\text{بازده دارایی}}{\text{دارایی/(بدهی - دارایی)}}$$

$$\text{نسبت مالکانه} = \text{نسبت بدهی} - 1$$

$$\text{ROE} = \frac{\text{ROI}}{\text{نسبت مالکانه}}$$

$$\text{بازده دارایی} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی}} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}} \times \frac{\text{فروش}}{\text{کل دارایی}} = (\text{حاشیه سود خالص}) \times (\text{گردش کل دارایی ها})$$

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{(\text{حاشیه سود خالص}) \times (\text{گردش کل دارایی ها})}{\text{نسبت مالکانه}}$$

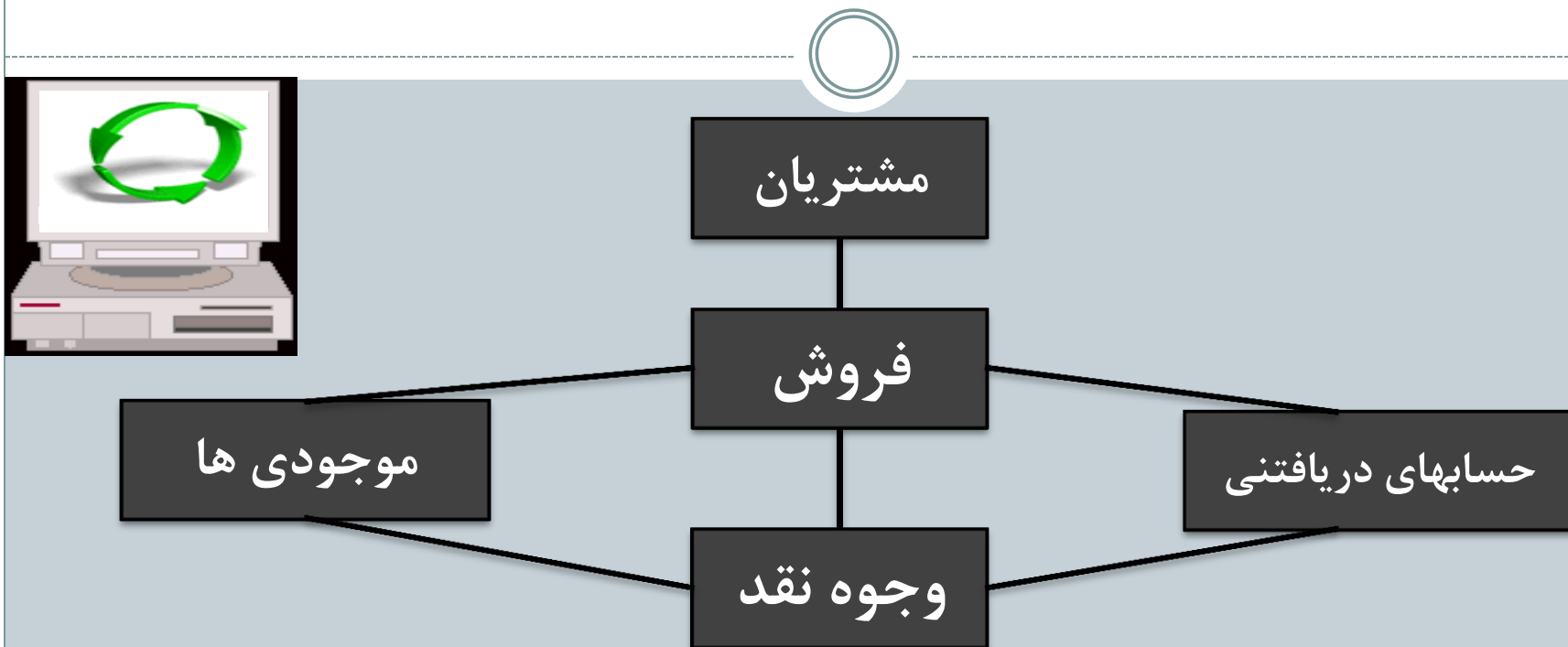
مزیت سیستم دوپونت این است که بین دو گروه از نسبت های مالی (سودآوری و اهرمی) ارتباط منطقی ایجاد می کند.

تجزیه و تحلیل صورت گردش وجوه نقد و ارتباط آن با سایر صورتهای مالی

امروزه اصطلاح مدیریت وجوه نقد به مسئله کلی اداره وجوه نقد واحد انتفاعی (نقد و موجودی های بانک) ، جریان وجوه نقد (دریافت ها و پرداخت ها) و سرمایه گذاری کوتاه مدت در اوراق بهادار اشاره دارد . مدیریت بر حساب های دریافتنی و موجودی ها نیز مشابه مدیریت بر وجوه نقد ، چنان ضرورت یافته است که بدون اعمال این چنین مدیریتی ، چرخه عملیات واحدهای انتفاعی متوقف خواهد شد یا به کندی حرکت خواهد کرد.



تجزیه و تحلیل صورت گردش وجوه نقد و ارتباط آن با سایر صورتهای مالی



فروش کالا و خدمات به مشتریان یا نقد است یا نسیه . فروش نقد منجر به ورود وجه نقد به واحد انتفاعی می گردد و فروش اعتباری به حساب دریافتنی و بعد از گذشت مدتی وصول می گردد . برای تداوم فعالیت ، وجوه نقد صرف خرید کالا می شود که این مرحله موجب خروج وجه نقد و با خرید کالا و فروش کالا به مشتریان ، چرخه ارتباط تبیین شده تکمیل می گردد.

صورت های مالی و اطلاعات حسابداری



صورت های مالی خلاصه و عصاره مبادلات و کارهای انجام شده را نشان می دهد و اساساً به گذشته مربوط می شوند .

حسابداران بنا به دلایل زیر حلقه اتصال بین فعالیت های تجاری و تصمیم گیرندگان به شمار می رود :

۱- حسابداری با ثبت داده های مربوط به فعالیت های تجاری ، آنها را برای کاربرد در آینده مورد سنجش قرار می دهد.

۲- داده های مذکور تا زمان نیاز ذخیره شده و سپس به منظور تبدیل به اطلاعات مفید مورد پردازش قرار می گیرد.

۳- اطلاعات یاد شده از طریق گزارشها به تصمیم گیرندگان منتقل می شوند
نقش حسابداری در یاری به تصمیم گیرندگان از طریق سنجش ، پردازش و انتقال اطلاعات ، معمولاً به دو گروه حسابداری مدیریت و حسابداری مالی تقسیم می شود .

استراتژی مدیریت وجه نقد



شرکتها استراتژیهای مدیریت وجه نقد خود را بر محور دو هدف زیر تعیین می کنند:

❖ **تهیه و تامین وجه نقد برای انجام دادن پرداختهای شرکت**

❖ **به حداقل رساندن وجوهی که در شرکت به صورت راکد باقی مانده**

هدف دوم بازتاب این طرز تفکر است که اگر اقلامی از دارایی به درستی استفاده نشود ، هیچ نوع بازدهی برای شرکت نخواهد داشت . متأسفانه این دو هدف ممکن است با یکدیگر در تناقض باشند . پایین آوردن سطح وجوه نقد و به کارگیری کلیه وجوه نقد احیاناً باعث کمبود وجه نقد برای پرداختهای به موقع شرکت می شود ، بنابراین استراتژیهای مدیریت وجوه نقد باید به گونه ای باشد که بین این هدف نوعی هماهنگی ایجاد شود . **با این همه باید گفت که هدف پرداخت به موقع**

تعهدات از هدف به حداقل رساندن وجوه راکد مهمتر است .



استراتژی مدیریت وجه نقد



معمولاً شرکتها به سه دلیل وجوه نقد را حفظ می کنند :

❖ نگهداری وجه نقد برای انجام دادن معاملات

❖ نگهداری وجه نقد احتیاطی

❖ نگهداری وجه نقد به شکل مانده های جبرانی نزد بانکها

وجوه مورد نیاز برای انجام دادن معاملات عبارت است از جریانات نقدی خروجی پیش بینی شده در نقدینگی ، منظور از وجوه نقد احتیاطی مقدار وجه نقدی است که شرکت برای پرداختهای پیش بینی نشده نگهداری می کند . وجه نقدی که بدین منظور در نظر گرفته می شود تابعی است از درجه عدم اطمینان نسبت به جریانات نقدی ورودی و خروجی شرکت که معمولاً به صورت اوراق بهادار قابل فروش در شرکت نگهداری می شود . مانده جبرانی عبارت است از حداقل وجه نقدی که شرکت باید در حساب جاری خود نگهداری کند .

نگرش های مختلف راجع به اندازه گیری نقدیندگی



- ❖ برخی از نویسندگان مدیریت مالی برای نشان دادن توانایی شرکت در انجام تعهدات کوتاه مدت صرفاً وجه نقد و اوراق کوتاه مدت قابل فروشی را مورد توجه قرار می دهند
- ❖ برخی دیگر از نویسندگان کلیه دارایی های جاری اعم از دارایی های کاملاً نقد یا شبه نقد هستند و دارایی هایی که نقد نیستند ولی قابلیت نقد شدن در دوره های کوتاه مدت را دارند در تعیین وضعیت نقدینگی شرکت موثر می دانند.
- ❖ عده ای دیگر از نویسندگان ضمن اینکه کلیه داراییهای جاری را موثر می دانند ، همه امکانات و دارایی های شرکت را تعیین کننده وضعیت نقدیندگی می دانند .(اگر شرکت دارایی های ثابت غیر عملیاتی داشته باشد که دوره کوتاه مدت بتواند به راحتی تبدیل به نقد شود ، یا اگر شرکت دسترسی سریع به منابع مالی بانکی داشته باشد و یا فرصت استفاده از اعتبار در حساب جاری داشته باشد همگی بیانگر قدرت نقدینگی شرکت هستند .

توانایی نسبت های گردش وجوه نقد



هنگام تجزیه و تحلیل نقدینگی ، اطلاعات گردش وجوه نقد درخور **اتکاتر** از اطلاعات ترازنامه و صورت سود و زیان است . داده های ترازنامه ایستا هستند - یک نقطه واحد زمانی را اندازه گیری می کنند - و نیز صورت سود و زیان بسیاری از تخصیصهای غیر نقدی اختیاری را شامل می شود که به عنوان نمونه ، می توان از ذخیره بازخرید خدمت ، استهلاک داراییهای ثابت و استهلاک دارائی های نامشهود نام برد . در مقابل صورت گردش وجوه نقد تغییرات در سایر صورتهای گزارش و هنر دفترداری را با تمرکز به آنچه که سهامداران واقعاً نگران آن هستند - یعنی وجوه نقد موجود برای عملیات و سرمایه گذاری - تلخیص می کند .

مفید ترین نسبتهای گردش وجوه نقد در دو طبقه کلی قرار می گیرند :

❖ **نسبتهایی جهت آزمون توانایی ایفای تعهدات و نقدینگی**

❖ **نسبتهایی که معرف موفقیت یک شرکت در حال رشد می باشد**

نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی

این عدد رقم خالصی است که بعد از منظور کردن تغییرات مربوط به اقلام غیر نقدی و تغییرات سرمایه در گردش، از صورت گردش وجوه نقد به دست آمده است. حسابرس به منظور ارزیابی نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی شرکت باید نسبتهای قابل مقایسه صنایع مشابه را نیز مدنظر قرار دهد. نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی معرف توانایی شرکت در ایجاد منابع جهت پرداخت بدهیهای جاری است و به شکل زیر است:

$$\text{نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی} = \frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{بدهیهای جاری}}$$

نسبت پوشش گردش وجوه

این نسبت مشخص می کند که آیا شرکت قادر است وجوه نقد کافی را برای ایفای تعهداتش (بهره و مالیات) تحصیل نماید؟ در نتیجه بهره و مالیات از صورت کسر جذب میشود.

سود قبل از بهره و مالیات + استهلاک

نسبت پوشش گردش وجوه = $\frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات + استهلاک}}{\text{بهره + بازپرداخت بدهی تعدیل شده بابت مالیات سود سهام ممتاز تعدیل شده}}$

گردش وجوه نقد حاصل از عملیات، وجه نقد پرداختی بابت بهره و مالیات را شامل میشود، در حالی که (EBITDA) اینگونه نیست. برای تعدیل مالیاتی، مبالغ به مکمل نرخ مالیاتی تقسیم می شوند.

اگر نسبت یک باشد، شرکت به دشواری می تواند به تعهدات کوتاه مدت خود عمل کند. برای ادامه حیات در بلند مدت، هر شرکت باید وجوه نقد کافی برای نگهداری اموال و تجهیزات در اختیار داشته باشد. اگر این نسبت کمتر از یک باشد، شرکت باید وجوه اضافی برای انجام تعهدات جاری عملیاتی اش تحصیل نماید. باری اجتناب از ورشکستگی شرکت باید تحصیل سرمایه جدید را نیز ادامه دهد.

نسبت پوشش بدهی جاری نقدی



این نسبت معرف توانایی شرکت جهت بازپرداخت بدهیهای جاری است . اسن نسبت نیز مجدداً تابع مستقیم نسبت پوشش (بدهیهای جاری / سود) می باشد .همچین این نسبت درجه توانایی رشکت را در جهت بازپرداخت بدهیها نشان می دهد . نسبت بالاتر نشان دهنده سطح ایمنی بیشتر می باشد ، اما در سراطی که شرکت توانایی انجام تعهداتش را داشته باشد مشابه بیشتر نسبت ها سطح مناسب با توجه به خصوصیات تغییر می نماید.

$$\text{نسبت پوشش بدهی جاری نقدی} = \frac{\text{سود سهام نقدی} - \text{وجوه نقد عملیاتی}}{\text{بدهی جاری}}$$

نسبت مخارج سرمایه ای



این نسبت سرمایه موجود جهت سرمایه گذاری داخلی و پرداخت بدهیهای موجود را نشان می دهد . هنگامی که نسبت مخارج سرمایه ای بیشتر از یک باشد شرکت وجوه نقد کافی جهت انجام مخارج سرمایه ای و بازپرداخت بدهیها را در دسترس خواهد داشت . هرچه ارزش این نسبت بالاتر باشد ، شرکت وجوه نقد اضافی بیشتری جهت ارائه خدمات و بازپرداخت بدهی ها در اختیار خواهد داشت . ارزشهای همه نسبت ها با توجه به خصوصیات هر صنعت متفاوت است . صنایع زنجیره ای نظیر خانه سازی و اتومبیل سازی از این رقم انحراف بیشتری را نسبت به صنایع غیر زنجیره ای نسطر صنایع دارویی و نوشابه سازی نشان می دهند . همچنین این نسبت در صنایع در حال رشد قابل درک تر از صنایع پیشرفته نظیر نساجی می باشد .

مخارج سرمایه ای معرف توانایی شرکت جهت پوشش بدهی بعد از انجام مخارج سرمایه ای در اموال و تجهیزات می باشد .

$$\text{نسبت مخارج سرمایه ای} = \frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{مخارج سرمایه ای}}$$

نسبت کل بدهی (وجوه نقد به کل بدهی) و نسبت کل وجوه نقد آزاد

این نسبت با این فرض که کل وجوه نقد حاصل از عملیات به بازپرداخت بدهی اختصاص داده شود دوره زمانی مورد انتظار را جهت بازپرداخت بدهی نشان می دهد. هر چه نسبت پایین تر باشد شرکت انعطاف پذیری مالی کمتری دارد و احتمال اینکه مشکلاتی در آینده پیش آید بیشتر می شود این نسبت معرف توانایی شرکت در جهت پوشش تعهدات (بدهی) آتی می باشد.

$$\text{نسبت کل بدهی} = \frac{\text{وجوه نقد حاصل از عملیات}}{\text{کل بدهی}}$$

نسبت کل وجوه نقد آزاد معرف توانایی شرکت جهت ایفای تعهدات آتی نقدی می باشد و به شرح زیر است :

$$\text{نسبت کل وجوه نقد آزاد} = \frac{\text{سود خالص} + \text{هزینه بهره سرمایه ای و انتقالی به دوره آتی} + \text{استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود} + \text{اجاره عملیاتی} + \text{سود سهام اعلام شده}}{\text{هزینه بهره سرمایه ای انتقالی به دوره آتی} + \text{اجاره عملیاتی و هزینه اجاره} + \text{حصه جاری بدهی بلند مدت} + \text{حصه جاری تعهدات اجاره سرمایه ای}}$$

نسبت کفایت گردش وجوه نقد و نسبت پوشش نقدی بهره



کفایت وجوه نقد به هموار کردن بعضی از عوامل دوره ای که نسبت به مخارج سرمایه ای را با مشکل مواجه می سازد کمک می کند . این نسبت معیاری جهت معرف کیفیت اعتبار شرکت است .

$$\text{نسبت کفایت گردش وجوه نقد} = \frac{\text{EBITDA} - \text{بهره پرداختنی} - \text{مالیات پرداختنی} - \text{مخارج سرمایه ای}}{\text{میانگین بدهیهای زمان بندی شده سالانه ۵ سال آتی}}$$

نسبت پوشش بهره نقدی مکمل پوشش بهره سنتی است و به شرح زیر محاسبه می شود ، این نسبت تعداد دفعاتی را که جریان های نقدی حاصل از عملیات ، جریان های نقدی بهره را پوشش می دهد ، به سرمایه گذاران نشان می دهد .نسبت یاد شده همچنین سبه سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان رهنمود می دهد که موسسه تا چه میزان می تواند نقدینگی خود را کاهش دهد بدون آنکه در پرداخت تعهدات مربوط به بهره با مخاطره روبرو شود

$$\text{نسبت پوشش نقدی بهره} = \frac{\text{جریان نقدی ناشی از عملیات قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{بهره}}$$

نسبت پوشش نقدی بهره (ادامه) و نسبت پوشش نقدی بدهی

نسبت پوشش بهره سنتی که از ترازنامه های تهیه شده بر مبنای تعهدی به دست می آید ، نتیجه تقسیم سود موسسه قبل از کسر بهره و مالیات بر هزینه بهره شرکت است . در نتیجه چون سود موسسات که بر مبنای تعهدی محاسبه می شود ، اقلام غیر نقدی مانند کاهش ارزش داراییها یا سود حاصل از فروش داراییهای عملیاتی را در بر می گیرند ، ممکن است به وطر واضح توانایی موسسه را برای پرداخت های واقعی بهره نشان ندهد.

بانک ها برای اندازه گیری توانایی بازپرداخت بدهی های موسسات از دو گونه نسبت استفاده میکنند که جریان های نقدی عملیاتی انباشته ، وجه نقد در دسترس برای سرمایه گذاری مجدد را که از عملیات حاصل شده باشد به دست می دهد و به طور معمول از جریان های نقدی حاصل از عملیات پس از کسر تمامی سود سهام پرداخت شده به بدست می آید.

$$\text{نسبت پوشش نقدی بدهی} = \frac{\text{جریان نقدی ناشی از عملیات پس از کسر سود سهام}}{\text{بدهی کل}}$$

$$\text{نسبت پوشش نقدی بدهی} = \frac{\text{جریان نقدی ناشی از عملیات پس از کسر سود سهام}}{\text{بدهی جاری}}$$

نسبت پوشش نقدی سود سهام

نسبت پوشش نقدی سود سهام بیانگر میزان توانایی موسسه برای پرداخت سود سهام از محل جریان های نقدی عملیات عادی است

$$\text{نسبت پوشش نقدی سود سهام} = \frac{\text{جریان نقدی ناشی از عملیات}}{\text{سود سهام}}$$

نسبت های کیفیت سود

به وسیله این نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات با سود عملیاتی مقایسه میشود. هر چه این نسبت به عدد یک نزدیک تر باشد کیفیت سود بیشتر است.

الف : نسبت کیفیت فروش

$$\text{نسبت کیفیت فروش} = \frac{\text{وجه نقد حاصل از عملیات}}{\text{فروش}}$$

ب : نسبت کیفیت سود

$$\text{نسبت کیفیت سود} = \frac{\text{وجه نقد حاصل از عملیات}}{\text{سود عملیاتی}}$$

نسبت های مخارج سرمایه ای



۱- نسبت تحصیل سرمایه :

توانایی شرکت ها در تامین مالی مخارج سرمایه ای از منابع داخل موسسه است

$$\text{نسبت تحصیل سرمایه} = \frac{\text{سود سهام} - \text{جریان نقدی ناشی از عملیات}}{\text{سرمایه}}$$

۲- نسبت سرمایه گذاری به تامین

ارتباط درونی خالص جریان های نقدی عملیاتی و جریان های نقدی سرمایه گذاری و تامین مالی می تواند بیانگر چگونگی تامین مالی سرمایه گذاری ها باشد .

$$\text{نسبت سرمایه گذاری به تامین} = \frac{\text{خالص جریان های نقدی برای سرمایه گذاری}}{\text{خالص جریان های نقدی حاصل از تامین مالی}}$$

نسبت های بازده جریان های نقدی

۱- نسبت جریان نقدی هر سهم

این نسبت از تقسیم وجه نقد در دسترس سهامداران عادی بر میانگین موزون تعداد سهام عادی به دست می آید.

$$\text{نسبت جریان نقدی هر سهم} = \frac{\text{سود سهام ممتاز} - \text{چریان نقدی ناشی از عملیات}}{\text{میانگین موزون سهام عادی}}$$

۲- نسبت بازده نقدی دارایی ها

معادل بازده کل سرمایه گذاری ها است .

$$\text{نسبت بازده نقدی دارایی ها} = \frac{\text{جریان نقدی حاصل از عملیات قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{کل دارائی ها}}$$

۳- نسبت بازده نقدی حقوق صاحبان سهام

$$\text{نسبت باده نقدی حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{جریان های نقدی حاصل از عملیات}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

تحلیل گری مالی مبتنی بر صورت ارزش افزوده



ارزشهای مالی ، در حقیقت بهای دارایی است که به صورت مختلف تعیین می گردد ، نظیر ارزش اسمی ، ارزش تاریخی و ...

ارزش :

بار معنایی خاص که انسان به برخی اعمال ، حالتها و پدیده ها نسبت می دهد.

ارزش افزوده (Added Value) به مفهوم ما به ازای ارزشی است که بر اثر ، برخی اعمال و پدیده ها ایجاد می شود که در چهارچوب ارزشهای اقتصادی مبین و طبقه بندی می گردد به عبارتی ارزش افزوده در محیط اقتصادی ، از طریق کار با وسایل مختلف به وجود می آید که امکان استفاده از آن جهت کسب و کار بازار پیشبرد ، دستیابی به توسعه و بهبود رفاه اجتماعی و دیگر شاخصهای زندگی فراهم می شود

تحلیل گری مالی مبتنی بر صورت ارزش افزوده



ارزش افزوده ، درحقیقت ارزش اضافه شده به فعالیت های قبلی (ورودی ها) ، یا ارزش نهایی تولید پس از کسر از ارزش کالاها و خدمات واسطه ای (ورودیها) ، است . به عبارت دیگر ارزش ایجاد شده در آن مرحله از تولید ، تلقی می شود که از طریق کار با وسایل مختلف به وجود می آید.

هزینه سرمایه – مالیات – سود خالص عملیاتی = ارزش افزوده اقتصادی

منظور از هزینه سرمایه ، میانگین موزون هزینه تامین مالی در ساختار سرمایه است .

اهداف و کاربرد ارزش افزوده



اهداف ارزش افزوده :

- ❖ شناخت توانمندیهای بنگاهها و استفاده از آن جهت توانمندی بنگاهها و جامعه
- ❖ فراهم نمودن بستری برای اقدامات بعدی نظیر وصول مالیات مرتب

کاربرد ارزش افزوده :

الف: کاربرد اقتصادی:

شناخت توانمندی های اقتصادی بنگاهها نظیر بهره وری منابع و عوامل تولید

ب : کاربرد مدیریتی:

شناخت توانمندیها و کارکردهای منابع انسانی نظیر نیروی کار تولید به منظور سنجش عملکرد

ج: کاربرد حسابداری:

تحلیل مالی منطقی و سودمند از وضعیت و عملکرد مالی بنگاههای اقتصادی در مقایسه با سود حسابداری

محاسبه ارزش افزوده



الف: بر اساس ارزش معاملات و یا به عبارتی ارزش کالا و خدمات
این روش که به عنوان روش تفریق شناخته شده است .

ارزش معاملات واسطه ای - ارزش معاملات نهایی = ارزش افزوده

یا

ارزش کالا و خدمات واسطه ای و مواد اولیه - ارزش کالا و خدمات تولید شده = ارزش افزوده

ب : بر اساس دریافتی عوامل تولید

این روش به عنوان روش جمع شناخته شده است .

استهلاک سرمایه + سود + بهره + اجاره + حقوق و دستمزد = ارزش افزوده

به عبارتی در این روش ، ارزش افزوده در هر مرحله از تولید ، میان عوامل تولید
درگیر در فرآیند ایجاد ارزش افزوده از جمله کارگران ، صاحبان سرمایه و ... توزیع
می گردد.

تبیین مالیات بر ارزش افزوده



مالیات از منابع مهم دولتها است . با توجه به اینکه ، ارزش افزوده مبنایی دقیق تر و مدیرانه تری در کسب و کار به شمار می رود ، وصول مالیات بر این مبنا ، نیز منطقی تر خواهد بود.

وضع مالیات بر ارزش افزوده از ضروریاتی برخوردار است که نشان دهنده مزیت های این نظام است . از مهمترین ضرورت های وضع مالیات بر ارزش افزوده (VAT) ، ضرورت اصلاحات اقتصادی در کشور های در حال توسعه با هدف حل معضلات اجتماعی و اقتصادی است . لذا مهمترین ضرورت های وضع مالیات بر ارزش افزوده عبارتند از :

۱- اصلاح نظام اقتصادی

- ۲- ایجاد منبع درآمد جدید ، با ثبات و انعطاف پذیر به منظور پاسخگویی به هزینه های روزافزون دولتها
- ۳- کاهش بیکاری و فقر با هدف توسعه فعالیت بنگاههای اقتصادی در تولید و ارائه خدمات و اشتغالزایی
- ۴- کنترل حلقه های زنجیره مبادلات اقتصادی توسط دستگاههای مالیاتی
- ۵- تقویت و حفظ تولید ناخالص در مواجهه با نوسانات اقتصادی

مزایا و ضرورت اجرای مالیات بر ارزش افزوده



- ۱- مالیات بر ارزش افزوده متدولوژی و تفکری است که چندین دهه از تجربه مثبت آن در سایر کشورهای گذشته و مورد تاکید اکثر صاحب نظران و کارشناسان اقتصادی و مالیاتی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول می باشد.
- ۲- این مالیات در بسیاری از کشور ها ضمن تامین بیشتر عدالت اجتماعی نسبت به سایر مالیاتها و بدون از بین بردن انگیزه سرمایه گذاری و تولید به عنوان منبع درآمد جدیدی در جهت افزایش درآمدهای دولت به کار برده شده است .
- ۳- از آنجا که سیستم مالیات بر ارزش افزوده یک سیستم خود اجراست و همه مودیان نقش مامور مالیاتی را ایفا می نمایند ، هزینه وصول آن پایین است .
- ۴- با توجه به این که در این سیستم ، مودیان برای استفاده از اعتبار مالیاتی ملزم به ارائه فاکتور خواهند بود ، زمینه برای شناسایی خود به خود میزان معاملات مودیان فراهم می شود . در نتیجه سیستم اطلاعاتی کامل از معاملات و مبادلات تجاری ایجاد میشود که علاوه بر شفاف سازی مبادلات و فعالیت های اقتصادی موجب سهولت اعمال مالیات های دیگر از قبیل مالیات بر درآمد و مالیات بر مشاغل می گردد

مزایا و ضرورت اجرای مالیات بر ارزش افزوده (ادامه)



- ۵- مالیات بر ارزش افزوده یک منبع درآمد با ثبات و در عین حال انعطاف پذیر است
- ۶- به دلیل مقطوع بودن نرخ این مالیات ، زمان قطعیت آن کوتاه بوده و مشکلات طولانی بودن قطعیت مالیات بر درآمد و ثروت را ندارد . بنابراین تاثیر در وصول درآمد های مالیاتی به حداقل می رسد.
- ۷- از آنجایی که مالیات بر ارزش افزوده یک مالیات مدرن است اجرای آن به بهبود فن آوری و بهره وری از طریق اتوماسیون اداری در سیستم مالیاتی و حسابداری مالیاتی به حداقل می رسد .
- ۸- اصل عدالت مالیاتی از طریق جلوگیری از پرداخت مالیات مضاعف و شفاف سازی مالیاتی را محقق میسازد
- ۹- سنجش عملکرد بنگاههای اقتصادی منطقی تر و عادلانه تر صورت می گیرد.

تعریف مالیات بر ارزش افزوده

❖ مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چند مرحله ای است، که در مراحل مختلف زنجیره واردات/تولید/ توزیع بر اساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای فروخته شده یا خدمات ارائه شده در هر مرحله اخذ می گردد، ولی مالیاتی که باید پرداخت شود در هر مرحله از زنجیره به مرحله بعدی زنجیره انتقال می یابد ، تا نهایتاً توسط مصرف کننده نهایی پرداخت گردد.

❖ مالیات بر حسب تعریف سازمان همکاری اقتصادی (OECD) پرداختی است الزامی و بلاعوض.

❖ مالیات ها بر سه پایه مصرف ، درآمد و ثروت وضع می شوند و به دو قسمت مستقیم و غیر مستقیم دسته بندی می شوند.



انواع مالیات



انواع مالیات

• به طور کلی در نظام مالیاتی کشور چهار نوع مالیات اخذ می گردد:

• ۱. مالیات بر درآمد

• ۲. مالیات بر ارزش افزوده

• ۳. مالیات تکلیفی

• ۴. مالیات بر اجاره



مشمولين!



مشمولين پرداخت ماليات بر ارزش
افزوده چه کسانی هستند؟

مؤدی

تعریف مـؤدی



اشخاصی که به عرضه کالا و ارائه خدمت و واردات و صادرات آنها مبادرت می نمایند به عنوان مـؤدی شناخته شده و مشول مقررات این قانون خواهند بود.

تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده



❖ این مالیات نخستین بار توسط فون زیمنس در سال ۱۹۵۱ به منظور فائق آمدن بر مسائل مالی کشور آلمان طرح ریزی گردید.

❖ کره جنوبی نخستین کشور آسیایی است که در سال ۱۹۷۷ با کمک صندوق بین المللی پول توانست این مالیات را در نظام مالیاتی خود پیاده نماید

❖ به منظور اجرای این مالیات در کشور ما ، لایحه آن برای اولین بار در دی ماه ۱۳۶۶ تقدیم مجلس گردید که پس از تصویب ۶ ماده بنا به تقاضای دولت و به دلیل اجرای سیاست تثبیت قیمتها مسترد گردید. در سال ۱۳۷۰ بخش امور مالی صندوق بین المللی پول در راستای اصلاح نظام مالیاتی کشور ، اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش کارایی و اصلاح نظام مالیاتی پیشنهاد نمود. از دی ماه ۱۳۷۶ ، موضوع انجام اصلاحات اساسی در سیستم مالیاتی حذف انواع معافیت ها حذف انواع عوارض و گسترش پایه مالیاتی با تاکید خاص بر کارائی نظام مالیاتی شروع گردید که بشی از آن در اصلاحیه قانون در سال ۱۳۸۰ انجام و از اول سال ۱۳۸۱ اجرایی شد و این نظام مالیاتی ؛ اکنون دستور کار مجلس است



تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده



- ❖ این مالیات نخستین بار توسط فون زیمنس در سال ۱۹۵۱ به منظور فائق آمدن بر مسائل مالی کشور آلمان طرح ریزی گردید.
- ❖ کره جنوبی نخستین کشور آسیایی است که در سال ۱۹۷۷ با کمک صندوق بین المللی پول توانست این مالیات را در نظام مالیاتی خود پیاده نماید
- ❖ به منظور اجرای این مالیات در کشور ما ، لایحه آن برای اولین بار در دی ماه ۱۳۶۶ تقدیم مجلس گردید که پس از تصویب ۶ ماده بنا به تقاضای دولت و به دلیل اجرای سیاست تثبیت قیمتها مسترد گردید. در سال ۱۳۷۰ بخش امور مالی صندوق بین المللی پول در راستای اصلاح نظام مالیاتی کشور ، اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش کارایی و اصلاح نظام مالیاتی پیشنهاد نمود. از دی ماه ۱۳۷۶ ، موضوع انجام اصلاحات اساسی در سیستم مالیاتی حذف انواع معافیت ها حذف انواع عوارض و گسترش پایه مالیاتی با تاکید خاص بر کارائی نظام مالیاتی شروع گردید که بشی از آن در اصلاحیه قانون در سال ۱۳۸۰ انجام و از اول سال ۱۳۸۱ اجرایی شد و این نظام مالیاتی ؛ اکنون دستور کار مجلس است

تاریخچه مالیات بر ارزش افزوده



مالیات بر ارزش افزوده و دیگر کشورها:

مالیات بر ارزش افزوده نه تنها مالیات نسبتاً ساده ای است بلکه رایج ترین مالیات در دنیای امروز نیز محسوب میشود.

انگلستان ----- « ۱۷,۵ %

امارات متحده عربی ----- « ۱۱ %

شیوه اجرایی (محاسبه) مالیات بر ارزش افزوده



❖ روش تجمعی مستقیم:

(سود + اجاره + بهره + دستمزد) × نرخ مالیاتی

❖ روش تجمعی غیر مستقیم:

(سود) × نرخ مالیاتی + (اجاره + بهره + دستمزد) × نرخ مالیاتی

❖ روش تفریقی مستقیم:

(ورودی - خروجی) × نرخ مالیاتی

❖ روش تفریق غیرمستقیم:

(ورودی) × نرخ مالیاتی - (خروجی) × نرخ مالیاتی

شیوه اجرایی (محاسبه) مالیات بر ارزش افزوده (ادامه)



❖ تفاوت عمده روش های مستقیم و غیر مستقیم در این است که در شیوه مستقیم کل ارزش افزوده در هر مرحله محاسبه و مبنای مالیات قرار میگیرد . حال آنکه در روش غیر مستقیم اجزا تولید کننده ارزش افزوده به طور مجزا مشمول مالیات واقع می شوند (روش تجمعی غیر مستقیم) و یا اینکه مالیات کل فروش در هر مرحله محاسبه و مالیات پرداختی به فعالیت های بالا دست از آن کم می گردد (روش تفریقی غیر مستقیم)

❖ به روشهای مستقیم ، روش های حسابی نیز اطلاق میگردد چرا که در این روش هر مودی مالیاتی در اظهارنامه خود پایه مالیاتی را محاسبه و مشخص می نماید

❖ در روش غیر مستقیم ، به دلیل الزام فروشنده به صدور فاکتور در هر مرحله و مشخص نمودن و ثبت میزان مالیات اخذ شده از خریدار در آن به عنوان روش فاکتور نویسی نیز یاد میشود.

صورت ارزش افزوده (VAS)



این صورت پاسخی در ارتباط با محاسبه ارزش افزوده در چهارچوب محاسبه تولید ناخالص ملی است. صورت ارزش افزوده گزارشی است که ارزش افزوده محاسبه می شود و سودمندی فراوانی برای سهامداران به همراه دارد. همچنین این گزارش اطلاعات اضافی دیگر نظیر حقوق و دستمزد و ... را نیز به تفکیک ارائه می دهد. ازجمله دلایل تهیه صورت ارزش افزوده عبارت است از

- ۱- تعهد مدیریت در گزارشگری به سهامداران
- ۲- الزام قانونی نسبت به تغییرات قوانین و مقررات
- ۳- استفاده از آن در ارتباط با کارکنان و انتظارات آنها
- ۴- گزارش دقیق عملکرد در گزارش سالانه
- ۵- پاسخ گویی به مسئولیت اجتماعی

مفاهیم ارزش افزوده



❖ دیدگاه اقتصادی

در اقتصاد کلان از طریق جمع ارزش افزوده بخشهای مختلف اقتصاد جامعه، درآمد ملی محاسبه می شود. با استفاده از ارزش افزوده در سطح اقتصاد کلان، از مشکل محاسبه مضاعف درآمد ملی جلوگیری به عمل می آید.

❖ دیدگاه مالیاتی

این مفهوم به صورت مالیات بر ارزش افزوده بیان میشود که نوعی مالیات فروش است و آخرین خریدار بار مالیاتی آن را تحمل می کند.

مفاهیم ارزش افزوده (ادامه)



❖ دیدگاه مدیریتی

اهمیت تجزیه و تحلیل ارزش افزوده توسط مدیران در آن است که به صورت مبنایی برای اندازه گیری بهره وری عمل میکند ، به عبارت دیگر تحلیل های مبتنی بر ارزش افزوده نحوه ارتقاء بهره وری و به تبع آن به عنوان یکی از عوامل مهم در بهبود روابط مدیریت و کارکنان جای گرفته است

❖ دیدگاه حسابداری

در حسابداری این مفهوم توسط کمیته تدوین استانداردهای حسابداری انگلستان بیان گردید . این کمیته پیشنهاد نمود که شرکتها نحوه ایجاد ارزش افزوده و توزیع آن را به شکل صورتحسابی جداگانه ارائه دهند ، این صورت حساب به صورت ارزش افزوده (VAS) معروف است.

روش های محاسبه ارزش افزوده



ارزش افزوده در یک واحد تجاری معمولاً با دو روش قابل محاسبه است . اولین روش که اصطلاحاً به روش تفریق معروف است و دیگری روش جمع اطلاق میشود.

❖ روش تفریق

بهای تمام شده مواد و خدمات خریداری شده - فروش و سایر درآمدها = ارزش افزوده ناخالص
برای محاسبه ارزش افزوده خالص کافی است استهلاك را از ارزش افزوده ناخالص کسر نماییم.

❖ روش جمع

استهلاك + هزینه نیروی کار+ بهره+ مالیات + اندوخته ها + سود سهام عادی+ باقیمانده سود تقسیم نشده = ارزش افزوده ناخالص

دیدگاه های تحلیل گری مالی



الف : دیدگاه نقدینگی

سنجش توان پرداخت تعهدات کوتاه مدت از مهمترین هدف تحلیل گر مالی در این دیدگاه است.

ب : دیدگاه کارائی (فعالیت)

سنجش درجه استفاده از منابع (کارایی) از اهداف این دیدگاه است .

ج : دیدگاه اهرمی (بافت مالی)

سنجش توان پرداخت تعهدات کوتاه مدت و بلند مدت (با تاکید بر بلند مدت) و سنجش سهم

دیگران و مالکان از منابع شرکت از مهمترین اهداف این دیدگاه در تحلیل گری مالی است .

دیدگاه های تحلیل گری مالی



د: دیدگاه سودآوری

سنجش درجه تحقق هدف هر بنگاه اقتصادی یعنی چگونگی کسب سود و انتفاع از اهداف مهم این دیدگاه در تحلیل گری مالی است

ه : دیدگاه اقتصادی و بهره وری

سنجش کمیت و کیفیت خلق ارزش (ارزش اقتصادی) و درجه کارایی و اثر بخشی منابع (بهره وری منابع) است.

تحلیل گری مالی تحلیل مبتنی بر ارزش افزوده



تحلیل مبتنی بر ارزش افزوده

بر اساس توزیع ارزش افزوده با هدف سنجش عملکرد از طریق اندازه گیری بهره وری صورت میگیرد و به شکل زیر می باشد.

نسبت های مبتنی بر ارزش افزوده:

- ❖ سنجش بهره وری عملیاتی
- ❖ سنجش کارایی عملیاتی
- ❖ سنجش بهره وری عوامل تولید
- ❖ سنجش کارایی اقتصادی

تحلیل گری مالی ، نقاط قوت و ضعف



نقاط ضعف

- امکان عدم تجربه ی کافی و توانایی حرفه ای تحلیل گر و اعمال نظر شخصی و اثر سوء آن برتحلیل
- عدم تطبیق اطلاعات تاریخی یا دستکاری شده با ارزش های جاری
- عدم لحاظ تغییرات محیطی از جمله شرایط اقتصادی و تجاری
- عدم انعکاس همه ی واقعیت های اقتصادی در صورت های مالی

نقاط قوت

- مهم ترین ابزارشناخت واحد اقتصادی
- بررسی گذشته برای برنامه ریزی آینده
- ابزار سنجش عملکرد مدیریت
- فراهم آوری اطلاعات سودمند
- نمایش ارتباط بین دو یا چند متغیر مالی
- تعیین میزان دستیابی به اهداف مشخص
- پیش بینی وضعیت آینده
- نسبت های مالی نشانگر روند سالم اقتصادی

باتشکر از حضار گرامی



منابع و ماخذ



۱. مدیریت مالی، ترجمه و تالیف دکتر رضا شباهنگ، نشریه ۹۲ سازمان حسابرسی
۱. مبانی حسابداری مدیریت - رویکرد و دیدگاه نوین، تالیف دکتر فریدون رهنمای رودپشتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
۲. تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، دکتر فضل الله اکبری، نشریه ۱۲۹ سازمان حسابرسی
۳. کتاب تشریح قانون مالیات بر ارزش افزوده چاپ سازمان امور مالیاتی کشور، (نظام مالیات بر ارزش افزوده)
۴. مجموعه قوانین و مقررات مالیاتی، جهانگیر منصور، چاپ دوران
۵. وب سایت رسمی سازمان امور مالیاتی کشور
۶. وب سایت رسمی وزارت امور اقتصاد و دارایی
۷. آیین نامه موضوع ماده ۲۱۹ قانون مالیات های مستقیم و غیر مستقیم مصوب دی ماه ۱۳۸۲